

**ما سخاوتمندترین
مردم دنیا هستیم**

محمد رضا زائری

۱۳۸۴

زائری، محمدرضا، ۱۳۴۹ -

ما سخاوتمندترین مردم دنیا هستیم: مجموعه مقالات پیرامون دفاع مقدس، انقلاب اسلامی / محمدرضا زائری -- تهران: خورشید باران، ۱۳۸۴. ۱۵۱ ص.

ISBN 964-8515-12-3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی -- ۱۳۵۸ -- مقاله ها و خطابه ها، الف. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۴

DSR1583/27م ۲

۱۰۰۰۴۹-۸۴م

کتابخانه ملی ایران



■ نام کتاب:	ما سخاوتمندترین مردم دنیا هستیم
■ نویسنده:	محمدرضا زائری
■ ویراستار:	زهرا یزدی نژاد
■ طراح جلد:	فرزاد ادیبی
■ حروف نگار:	پروانه نصرالهی
■ ناشر:	خورشیدباران - ۰۹۱۲۲۴۶۶۲۲۰
■ مدیر نشر:	زهرا یزدی نژاد
■ ناظر چاپ:	سید صالح آدنانی
■ شمارگان:	۳۰۰۰ جلد
■ نوبت چاپ:	اول
■ تاریخ چاپ:	تابستان ۸۴
■ چاپ، لیتوگرافی و صحافی الهادی - قم	
■ شابک:	۹۶۴-۸۵۱۵-۱۲-۳
■ ISBN 964-8515-12-3	
■ قیمت:	۱۳۰۰۰ ریال
■ این کتاب با حمایت بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس	
به چاپ رسیده است.	
■ حق چاپ برای ناشر محفوظ است	

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	ما سخاوتمندترین مردم دنیا هستیم!
۱۳	... نزدیک است
۱۹	حقیقت این است
۲۴	استراتژی اسلام اجتماعی: «جماعت» در مقابل «جمعیت»
۳۰	نقش هنر در توسعه‌ی فرهنگ دینی و انقلابی
۳۸	داستان انقلاب اسلامی
۴۷	و اینک «صحیفه‌ی نور» صحیفه‌ای
۵۴	تقدیر سبز آسمان
۵۸	به قدر تشنگی
۸۰	شوق وصال
۸۴	کودک، نوجوان، جوان
۸۹	به سوگند آمده‌ایم
۹۴	آخرین کسوف قرن را به نظاره نشسته‌ایم
۹۷	گزارش سفری خبری به عراق (۱۳۸۳)
۱۰۷	ادای احترام به شخصیت علمی و فرهنگی
۱۰۸	مظلومیت جنبه‌ی علمی شخصیت حکیم
۱۱۰	شخصیت علمی و فرهنگی آیت الله حکیم
۱۱۷	آن «شیر خدا» خورشید مردم بود
۱۲۲	قله‌ی دنیا
۱۲۶	حیرانی بی پایان
۱۳۱	بهشت زهرا
۱۳۶	کربلایی‌ها
۱۴۱	داغ سرخ

مقدمه

...نه شناسنامه‌ی دست کاری شده به دردمان خورد و نه...

مثل همیشه دیر رسیدیم

آخر جنگ، دم قطعنامه

و از آن آخر هم به آخرش: واحد تبلیغات! پرچم و پلاکارد و سخنرانی

ما حرف زدیم: ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم...

ما حرف زدیم من اخلص لله اربعين صباحاً...

ما حرف زدیم و...

تا چشم باز کردیم بچه‌ها به چله‌ی اخلاص نشسته و به معامله‌ی آخرت

برخاسته بودند

...و ما همچنان حرف می‌زدیم!

شهید علی شیروانی، یکی از آن نمونه‌های شگفت‌انگیز اخلاص و گمنامی

با خنده‌ای شیرین و به طعنه و مزاح ما را سیکل معارف صدا می‌زد!

در تنگه و مدرسه‌ی کرمانشاه و مهاباد پشت جبهه غرب، بچه‌ها می‌آمدند
و می‌رفتند.... می‌رفتند و بر نمی‌گشتند پس از بیست سال هنوز حسرت
نگاه بی‌نشان آن رزمنده‌ی عازم جبهه از قاب پنجره اتوبوس بعد از
نماز جمعه تهران تازه است و جانم را می‌سوزاند
.... ما همچنان حرف می‌زنیم.

تایستان ۱۳۸۴ تهران

محمدرضا زائری

نشانی اینترنتی

WWW.zaeri.com